

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه استدلالی ۳

سطح ۲

درس ۵۷

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای خادمی

در چند درس قبل بحث از حرمت ربا، اقسام آن، شرائط لازم در تحقق ربای معاملی و عمومیت آن در غیر بیع با ارائه ادله و مستندات مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در باب ربا احکامی وجود دارد که اختصاص به ربا داشته و در ابواب دیگر جریان ندارد. برای نمونه شارع درباره ربا تقریباً به حرمت تمامی افعالی که با آن مرتبط می‌شوند، حکم نموده و غیر از رباخواری، ربادادن، کتابت و ثبت معامله ربوی و حتی حضور در مجلس ربا به عنوان شاهد را محکوم به حرمت دانسته است.

دیگر حکم قابل توجه و مختص به این باب اتحاد تعبدی جنس گندم و جو می‌باشد.

از سوی دیگر مسائلی فقهی و بعضاً مستحدث وجود دارد که محلّ و مجال بررسی آن اختصاص به باب ربا دارد. برای مثال خرید و فروش اسکناس چه از قبیل معاملاتی که در صرافی‌ها امروزه انجام می‌شود و اجناس مختلف مانند ریال، دلار، یورو و... با یکدیگر خرید و فروش می‌شود یا معاملات رایج بین مردم برای دریافت پول خرد یا پول نو از مسائلی است که جایگاه بررسی احکام آن در فقه، باب ربا می‌باشد.

یکی دیگر از مسائلی که بحث از آن اختصاص به همین باب دارد، معاملات و معاوضاتی است که در طلا و جواهرات جریان دارد. معامله طلای ساخته شده با طلایی که ساخته نشده یا تعویض طلا و جواهرات مستعمل و یا نامرغوب با جواهرات نو و مرغوب از مصادیق معاملات مذکور می‌باشد.

با توجه به حساسیت این نوع معاملات که غالباً در معرض وقوع در ربا هستند تا حدّی که تقدیم و یا تأخیر کلمات در آنها منجر به صحت و حلیت یا بطلان و حرمت معامله خواهد شد، از مسائل بسیار مهم و اساسی مباحث باب ربا به شمار می‌روند.

احکام و مسائل اختصاصی باب ربا که به صورت اجمالی به آن اشاره شد، همراه با بررسی حکم شخصی که از روی جهالت مرتکب معاملات ربوی می‌شود یا وارثی که اموالی به او ارث رسیده که مخلوط با اموال حاصل از ربا می‌باشد، مجموعه مطالبی هستند که در درس حاضر به شرح و تفصیل آن پرداخته شده است. و نقد و بررسی مستندات و ادله آن نیز در درس‌های بعدی مورد پیگیری قرار خواهد گرفت.

متن عربى

احكام خاصة بالربا

يجوز بيع الاوراق النقدية بعضها بالآخر مع اختلاف العملة- نقدا و نسيئة- حتى مع فرض التفاضل فى المالية، بل يجوز مع اتحادها أيضاً إذا افترض كون العوضين شخصيين. و المسألة محل كلام و خلاف بين المتأخرين.

و يلزم عند بيع الذهب المصوغ بغيره و الفضة المصوغة بغيرها تساويهما، و معه لا يجوز بيع مثقال من الذهب المصوغ بمثقال من الذهب غير المصوغ منضما إلى أجرة الصياغة.

و لا يجوز ان يقول شخص لآخر: ابيعك هذا المثقال من الفضة الجيدة بمثقال من الفضة الرديئة بشرط ان تخطى لى ثوبا مثلا، و يجوز العكس بان يقول: خط لى ثوبا على ان ابيعك المثقال الجيد بمثقال الردىء.

و المشهور عدم تحقق الربا بين الوالد و ولده و المولى و مملوكه و الزوج و زوجته و المسلم و الحربى اذا اخذ المسلم الفضل.

و الربا كما يحرم اخذه يحرم دفعه و كتابته و الشهادة عليه.

و الحنطة و الشعير فى باب الربا جنس واحد و ان كانا فى باب الزكاة جنسين.

و من تعامل بالربا و هو جاهل بالحكم أو بالموضوع ثم التفت و تاب فلا يلزمه ارجاعه.

و من ورث مالا حصل بعضه من الربا فمع عدم تمييزها فلا شىء عليه و الا يلزمه رده على مالكه مع معرفته، و مع عدمها يتعامل معه معاملة مجهول المالك.

احکام اختصاصی ربا خرید و فروش پول^۱

۱. پول: واحد ارزش و رایج‌ترین واسطه داد و ستد و وسیله پرداخت.

در جوامع ابتدایی به جای استفاده از پول در معاملات، داد و ستد به صورت پایاپای انجام می‌گرفت. اما به دلیل مشکلات و معایبی که این نوع معامله داشت، به تدریج در هریک از جوامع - به تناسب شرایط جغرافیایی و اقتصادی - کالایی به عنوان پول انتخاب شد که به آن «پول کالایی» می‌گفتند، مانند صدف، پوست حیوانات و چارپایان اهلی بویژه گاو.

در تکامل پول کالایی، پول فلزی یا پول کالایی فلزی، بویژه طلا و نقره، رایج و جایگزین پول کالایی شد. در دوره طولانی رواج پول کالایی فلزی، دو نظام پولی وجود داشته است؛ ابتدا نظام پولی دو فلزی «طلا و نقره» و سپس نظام پولی یک فلزی «طلا یا نقره». از آغاز پیدایی پول کالایی تا پایان دوره نظام پولی یک فلزی، پول کالایی تمام عیار «پولی» که ارزش آن به عنوان یک کالا در اهداف غیر پولی، معادل ارزش آن در اهداف پولی بود» رایج بود.

در تکامل پول کالایی تمام عیار، پول تمام عیار نماینده پدید آمد؛ پول نماینده، پول کاغذی یا سکه‌هایی جز طلا و نقره است با پشتوانه طلا و نقره که قابلیت تبدیل به آن دو را داشت. پول کاغذی در نظام پولی تمام عیار نماینده، معادل سکه‌های تمام عیار است. به عبارت دیگر دارنده پول نماینده، طلبکار همان پشتوانه است.

پول نماینده، زمینه‌ساز پیدایی پول اعتباری شد؛ پولی که ارزش کالایی ناچیز دارد و به تعبیر دیگر، ارزش غیر پولی آن کمتر از ارزش پولی آن است.

انواع پول اعتباری

۱. پول حکمی که به حکم دولت می‌تواند در پرداختها به کار گرفته شود. پولهای کاغذی و مسکوک کنونی، پول حکمی هستند.
 ۲. پول تحریری یا پول سپرده که نهادهای اقتصادی سپرده‌پذیر آن را منتشر می‌کنند و پشتوانه آن، بدهیهای نگهداری شده نزد نهاد منتشرکننده آن است. سپرده‌گذار می‌تواند برای پرداخت بهای کالا و خدمات، چک بنویسد. پول تحریری در واقع حواله‌ای است برای دریافت پول حکمی.
 ۳. پول الکترونیکی که افراد به وسیله علائم الکترونیکی، سپرده‌گذاری یا خرید می‌کنند و در دهه‌های اخیر رایج شده است.
- در متون اسلامی، از جمله در منابع فقهی با واژه‌هایی چون ثمن، درهم، دینار، ذهب، فضه، نقد و جز اینها به مفهوم پول اشاره شده است و در قرآن کریم، واژه ورق به معنای نقره آمده است. در احادیث نیز از دینار و درهم، بسیار سخن رفته است.

مالیت پول اعتباری

پول اعتباری از نظر فقهی چه ماهیتی دارد؟ آیا مال است یا چیزی دیگر از قبیل سند اعتباری، حواله یا حواله انبار؟ از نظر فقهی، پول، مال است و مالیت آن اعتباری و مستقل می‌باشد. و احکام مال همچون خریدن و فروختن بر آن جاری می‌شود.

خرید و فروش پول

موضوع خرید و فروش پول فلزی «طلا و نقره» با عنوان بیع صرف از دیرباز در منابع فقهی مطرح است؛ اما از دیدگاه فقهای معاصر، احکام صرف بر پولهای اعتباری جاری نیست. بر این اساس در خرید و فروش اسکناس، قبض در مجلس عقد شرط صحت معامله نخواهد بود. البته برخی، جریان احکام صرف را بر پولهای اعتباری مطابق احتیاط دانسته‌اند.

در جواز و صحت خرید و فروش اسکناس فی نفسه به ظاهر اختلافی نیست؛ هرچند نسبت به برخی صورتهای آن، اختلافهایی وجود دارد. خرید و فروش دو نوع پول مانند ریال به دلار به کمتر یا بیشتر جایز و صحیح است. داد و ستد یک نوع پول مانند ریال به ریال، به صورت نقدی «نه نسیه یا سلف» و شخصی «نه کلی در ذمه» به شرط ترتب غرض عقلایی بر آن، نزد مشهور معاصران صحیح است، مانند معامله پول خرد با پول درشت، یا کهنه با نو.

بنابر قول مشهور - که ربای معامله را تنها در طلا و نقره و اجناس پیمانه‌ای یا وزنی جاری می‌دانند - خرید و فروش یک نوع پول به بیشتر از آن، مثلاً هزار تومان پول خرد به ۱۲۰۰ تومان پول درشت، ربا به شمار نمی‌رود؛ زیرا پول از معدودات است. در جواز خرید و فروش یک نوع پول به صورت نسیه یا سلف و یا کلی در ذمه اختلاف است.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص: ۲۸۷-۲۹۰ با تلخیص.

اقسام خرید و فروش پول^۱

۱. مطالب ذیل قسمتی کوتاه از مقاله فقهی آیت الله سید کاظم حائری، با عنوان «بررسی فقهی اوراق نقدی» است که به صورت خلاصه خدمت خوانندگان محترم تقدیم می‌شود.

آیا اوراق اعتباری در مسأله حرمت تفاضل، به طلا و نقره ملحق می‌شوند یا خیر؟ طبیعی است که اشکال تفاضل در جایی است که دو طرف مبادله از یک جنس باشند و وحدت جنس امری عرفی است و در این جا مقصود از وحدت جنس این نیست که هردو از کاغذ یا از فلز یا از چیز دیگری باشند، بلکه مقصود ارز واحد است؛ مثلاً تومان همه‌اش یک جنس است، خواه از کاغذ ساخته شده باشد و یا از غیر کاغذ؛ بنابراین آیا مثلاً گرفتن زیادی در تبدیل تومان به تومان جایز است یا نه؟ اشکال تفاضل در باب صرف «مبادله پول» از یکی از چهار صورت زیر ناشی می‌شود: صورت نخست: تعمیم حکم باب صرف طلا و نقره به اوراق اعتباری

از این ادعا که عرف خصوصیت طلا و نقره را الغا نموده، برداشت می‌شود معیار در حرمت تفاضل، نقد رایج است. پس همان طور که تفاضل در تبدیل طلا به طلا و نقره به نقره حرام است، در اوراق مورد بحث نیز حرام است. ولی این تعمیم و تعدی با اشکال جدی مواجه است؛ زیرا احتمال می‌رود که این حکم مخصوص نقدین باشد و نمی‌توان به طور جزم و حتم ادعا کرد که معیار حرمت تفاضل رایج بودن نقد است. پاره‌ای از امور زیر احتمال فرق و عدم امکان تعدی و تعمیم را تأیید می‌کند: اولاً: حرمت تفاضل به فرض رایج بودن سکه طلا یا نقره اختصاص ندارد، بلکه این حرمت در ذات طلا و نقره ثابت است، گرچه پول نقد رایج نباشد.

ثانیاً: حکم حرمت تفاضل در مورد هر شیء قابل کیل و وزن ثابت است و اصلاً به طلا و نقره اختصاص ندارد. ثالثاً: حرمت تفاضل در اشیاء هم‌جنس ثابت است حتی اگر از نظر مرغوب و نامرغوب بودن با هم اختلاف داشته باشند و این نشانگر آن است که این حرمت حکمی تعبدی محض است و نکته عقلانی اقتصادی ثابت شده در حرمت تفاضل در اوراق نمی‌تواند در این جا ملاک حکم باشد، زیرا این نکته عقلانی «ثبوت سود بدون مقابل» اگر مؤثر باشد، در فرض معاوضه نوع مرغوب یک کالا با مقدار بیشتری از نوع نامرغوب همان کالا، محقق نمی‌شود.

صورت دوم: با تمسک به اطلاقات حرمت ربا ادعا شود که این اطلاقات دلالت دارد بر حرمت تفاضل در مطلق مبادله جنس با جنس؛ یعنی به پیمانهای یا وزنی بودن جنس مشروط نباشد بنابر این، می‌توان گفت: اطلاق ادله مزبور اقتضا دارد که تفاضل در مبادله اوراق مورد بحث حرام باشد.

لکن به احتمال قوی مقصود پیش‌تر مطلقاً وارده در ربا، ربای قرضی است و ربای معامله‌ای را شامل نمی‌شود و ظاهر مطلقاً قرآن نیز این گونه است. افزون بر این، روایات حرمت ربای معامله‌ای در چیزهای غیر پیمانهای و غیر وزنی نمی‌تواند در برابر دلالت روایات صحیح که در شرطیت پیمانهای و وزنی بودن صراحت دارد، ایستادگی کند.

صورت سوم: این صورت اختصاص دارد به زمانی که یکی از دو جنس مدت‌دار باشد. برخی از روایات دلالت دارد بر حرمت گرفتن زیادی در حالتی که یکی از آن دو مدت‌دار باشد ولو مکیل و موزون نباشد. پس شرط کیل و وزن زمانی است که هر دوی آنها حال باشند.

صورت چهارم: زیادی در اوراق مدت‌دار مشمول ادله قرآنی و روایی حرمت ربای قرضی می‌شوند و این مطلب به دو صورت زیر قابل تبیین است:

۱- اطلاق ربا شامل این صورت می‌شود، با این بیان که: ما احتمال نمی‌دهیم صرف تفاوت در این که این معامله قرض است یا بیع، به تنهایی در صدق عنوان ربا یا عدم صدق آن دخالت داشته باشد.

۲- اگر بپذیریم اطلاق لفظی وجود ندارد، در تعدی عرفی شک نخواهیم کرد و نمی‌توان احتمال داد صرف دگرگون کردن صیغه قرض به صیغه فروش مدت‌دار بتواند مشکل ربا را حل کند.

اما داد و ستد دو سنخ از اوراق یعنی دو نوع پول مثل تومان و دلار اگر هر دو به صورت نقدی باشد، گرفتن مبلغ بیشتر چه تومان و چه دلار بدون اشکال جایز است. اما اگر یکی از آن دو مدت‌دار باشد- بنابر این که شرطیت قبض مورد قبول نباشد پس اگر مقداری از مبلغ اضافی، برای مدت‌دار کردن آن قرار داده نشود، بی‌اشکال است، ولی اگر مبلغی از اضافی برای مدت‌دار کردن آن اختصاص یابد، بیان اول از دو بیان مذکور در این مقام جایگاهی ندارد؛ لکن بیان دوم یعنی تجاوز و تعمیم عرفی صدق می‌کند و تمام است.

مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۲۰-۱۹، ص: ۶۱ - ۶۷

صورت اول

خرید و فروش دو نوع پول با یکدیگر. مانند: خرید دلار با ریال یا بالعکس.

حکم صورت اول

این معامله به صورت نقدی یا نسبه صحیح می‌باشد حتی اگر یکی از عوضین از لحاظ مالی بیشتر از دیگری باشد.

صورت دوم

خرید و فروش یک نوع پول با یکدیگر. مانند: خرید ریال با ریال، یا خرید دلار با دلار.

حکم صورت دوم

این معامله فقط در صورت نقدی صحیح می‌باشد حتی اگر یکی از عوضین از لحاظ مالی بیشتر از دیگری باشد.

معامله طلا یا نقره ساخته شده با طلای یا نقره ساخته نشده

در معامله طلا یا نقره ساخته شده با طلا یا نقره ساخته نشده باید تساوی مقدار در آن دو رعایت شود. لذا بیع طلای ساخته شده در مقابل طلای ساخته نشده همراه با اجرت ساخت، جائز نیست. بلکه یک مثقال طلای ساخته شده فقط باید در مقابل یک مثقال طلا فروخته شود حتی اگر طلای ساخته شده نباشد.

هم‌چنین اگر بایع به مشتری بگوید: این یک مثقال نقره خوب و مرغوب را به تو در مقابل یک مثقال نقره نامرغوب می‌فروشم به شرط این که برای من یک لباس بدوزی؛ باز معامله ربوی و محکوم به بطلان خواهد بود.

فرار از رباء^۱

اگر بایع بر خلاف صورت قبل به مشتری بگوید: برای من یک لباس بدوز تا من یک مثقال نقره مرغوب را به تو در مقابل یک مثقال نقره نامرغوب بفروشم، در محذور رباء واقع نخواهد شد؛ زیرا در این صورت شرط دوختن لباس به عنوان ضمیمه و اضافه‌ای در کنار یکی از عوضین قرار نگرفت بلکه شرطی بود که خارج از معامله قرار داده شد.

۱. بیش‌تر فقیهان معتقدند که به کارگیری حيله در معاملات ربوی صحیح است؛ چنان که صاحب جواهر بعد از بحث درباره یکی از حيله‌های ربا می‌گوید: به هر حال، دانستی که روایات و فتاوی فقیهان فرار از ربا را جایز می‌داند، زیرا این کار فرار از باطل به سوی حق است. در مقابل، سید مرتضی، محقق بهبهانی و محقق اردبیلی حيله‌های ربا را مطلقاً باطل می‌دانند. مقدس اردبیلی می‌گوید: سزاوار است تا حدی که امکان دارد از حيله‌های ربا اجتناب گردد. اگر شخص مضطر شد، به اندازه رفع اضطرار از این حيله استفاده کند و نگاه نکند که ظاهراً در روایات حکم به جواز شده است؛ زیرا حيله‌های ربا با علت تحریم ربا منافات دارد.

علامه در تذکره در بحث علت تحریم ربا، بعد از بیان روایات مربوط به علت تحریم، می‌فرماید: این، دلالت می‌کند که بیش‌تر حيله‌های که در اسقاط ربا به کار می‌روند، جایز نیست.

افراد دیگری حيله را در ربای معاملی صحیح و در ربای قرضی باطل می‌شمارند.

امام خمینی «قدس سره» می‌فرماید: برای فرار از ربا راه‌هایی ذکر شده است. من تجدید نظری در این مساله کردم، پس دریافتم که تخلص از ربا به هیچ وجه جایز نیست و چیزی که جایز است تخلص از بیع دو شیء ربوی همجنس همراه با تفاضل است، مانند معامله یک من گندم مرغوب در مقابل دو من گندم نامرغوب. پس اگر به طرف کم‌تر، شیء دیگری را ضمیمه کنند برای فرار از حرام به سوی حلال، اشکالی ندارد و این در حقیقت فرار از ربا نیست.

منبع: «کتاب ربا، پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از رباء- بخش چهارم: فرار از رباء»

استثنائات حرمت ربا

بنابر نظر مشهور در بین پدر و فرزند^۱، مولی و مملوک^۲، زوج و زوجه^۳، مسلم و حربی^۴ ربا حرام نیست و البته در مورد مسلم و کافر حربی^۵ در صورتی حکم به نفی حرمت ربا می‌شود که مسلمان گیرندهٔ زیادی باشد.

۱. یکی از موارد استثناء، ربای بین پدر و فرزند است. همه فقیهان اتفاق دارند که ربای بین پدر و فرزند، فی الجمله اشکال ندارد. البته اختلافاتی در تفصیل آن وجود دارد که به آن اشاره می‌شود: صاحب جواهر می‌گوید: درباره این مساله به طور مستفیض حکایت اجماع شده است، اگر نگوئیم متواتر است، حتی امکان اجماع محصل هم در آن وجود دارد؛ زیرا هیچ اختلافی در آن نیست؛ مگر از جانب سید مرتضی در موصیایات که ایشان هم بعداً در کتاب انتصار از نظر قبلی خود برگشته است.

با وجود اجماع در اصل مساله، در برخی فروع اختلاف وجود دارد، از جمله ابن جنید گفته است: این حکم تنها در صورتی است که پدر بخواهد زیادی بگیرد. همچنین برخی حکم را در جانب فرزند، مختص به پسر دانسته و گفته‌اند که شامل دختر نمی‌شود. و در شمول حکم برای فرزند فرزند و فرزند رضاعی و غیر آن نیز اختلافاتی وجود دارد.

منبع: «کتاب ربا، پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا- بخش چهارم: فرار از ربا فصل دوم: استثنائات ربا»

۲. صاحب جواهر می‌گوید، اجماع به هر دو قسم بر حلیت این نوع ربا حاکم است. دلالت روایات بر این که ربای بین مولا و عبد استثناء شده، کاملاً صریح است. البته اگر ما قائل باشیم که عبد نمی‌تواند مالک چیزی باشد، وقوع ربا بین سید و عبد متصور نیست و ذکر این مورد به عنوان استثناء معنایی ندارد. «منبع مصدر سابق»

۳. این مساله مورد اتفاق فقهای قدیم و مشهور بین فقهای متأخر است و تمام بحث‌هایی که درباره اجماع، در استثنای حرمت ربا از پدر و فرزند بیان شد، درباره این مساله هم مطرح است. فقیهان معاصر درباره ربای پدر و فرزند و ربای شوهر و همسر فتاوی مختلف داده‌اند. صاحب عروه، حکیم و امام خمینی و بسیاری دیگر بر طبق نظر مشهور فتوا داده‌اند و گرفتن ربا را در این موارد جایز دانسته‌اند، اما مرحوم خوئی گفته است که احتیاط واجب در ترک آن است و شهید صدر در حاشیه صدر در حاشیه منهاج، احتیاط را در این می‌داند که پدر و فرزند، و زن و شوهر با یکدیگر معامله ربوی انجام ندهند. «منبع مصدر سابق»

۴. در اصل مساله نفی ربا بین مسلمان و کافر حربی، اختلافی وجود ندارد. به گفته صاحب جواهر، در این مورد اجماع حاکم است و مشهور این است که تنها گرفتن زیادی از کافر جایز است، اما پرداخت زیادی به وی جایز نیست. ابن براج گرفتن و دادن زیادی را جایز می‌داند و می‌گوید: برای مسلمان و کافر جایز است که یک درهم را در مقابل دو درهم و یک دینار را در مقابل دو دینار با یکدیگر معامله کنند. همین طور از اطلاق کلام شیخ استفاده می‌شود که دادن و گرفتن ربا بین مسلمان و کافر اشکالی ندارد. ابن ادریس به این علت، بر شیخ خرده گرفته است، لیکن استدلال شیخ در نهایه، مشعر به این است که نظر ایشان مثل نظر مشهور است. از بین فقیهان معاصر، مرحوم خوئی احتیاط واجب را در ترک گرفتن ربا از کافر حربی می‌داند، مگر این که بعد از وقوع معامله، مال کافر از باب استنقاذ گرفته شود، زیرا مال کافر حربی احترامی ندارد و می‌توان آن را از راه‌های مختلف از وی ستاند. «منبع مصدر سابق»

۵. کفار دو گروه‌اند: اهل کتاب و غیر اهل کتاب. اهل کتاب نیز به ذمی و غیر ذمی تقسیم می‌شوند. اهل ذمه نیز یا پایبند به پیمان ذمه هستند یا آن را نقض کرده‌اند. بر همه کفار جز اهل ذمه که پایبند به پیمان خویش هستند، عنوان اهل حرب یا حربی اطلاق می‌گردد؛ خواه در حال جنگ با مسلمانان باشند یا نباشند. حربیان از آن جهت که عنوان کافر بر آنان صادق است، مشمول همه احکامی‌اند که بر کفار مترتب است لیکن از آن جهت که حربی‌اند، احکام ویژه‌ای دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

و جوب جهاد با اهل حرب: از حربی غیر اهل کتاب، جز اسلام پذیرفته نیست و در صورت خودداری از آن، جهاد با او با وجود شرایط آن واجب است.

اختصاص رقیّت به کافر حربی: از میان انسان‌ها، تنها، کافر حربی را می‌توان ابتداءً به بردگی گرفت.

اموال اهل حرب: مال کافر حربی مانند جان او بی حرمت است. بنابراین، آنچه از اموال وی به دست مسلمانی افتد با قصد تملک، ملک گیرندهٔ آن می‌شود، لیکن باید خمس آن را بپردازد. البته اگر به صورت امانت در اختیار مسلمانی قرار گرفته، رد آن بر وی واجب است.

گرفتن ربا از حربی: بر مسلمان جایز است از کافر حربی ربا بگیرد، ولی ربا دادن مسلمان به حربی جایز نیست.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص: ۷۲۹ - ۷۳۱ با تلخیص

حرمت دفع ربا، و کتابت و شهادت بر آن

علاوه بر حرمت ربا دادن و رباستاندن، حضور در جلسه ربا به عنوان نویسنده سند و شاهد نیز حرام است.

اتحاد جنس گندم و جو در باب ربا

گندم و جو هر چند در باب زکات دو جنس به شمار می‌آیند و در تعلق زکات به هر یک به حدّ نصاب رسیدن هر کدام به صورت جداگانه ملاک می‌باشد، اما در باب حرمت ربا این دو یک جنس به شمار می‌آیند و معامله این دو با زیادتر بودن یکی از آن دو جایز نمی‌باشد.

حکم جاهل به موضوع یا حکم ربا

اگر مسلمانی که حکم حرمت ربا را نمی‌داند، یا ربا و برخی ویژگی‌های آن را نمی‌شناسد، معامله‌ای ربوی انجام دهد، و بعداً از حکم ربا یا ویژگی‌های آن اطلاع پیدا کند و توبه کند، اموالی که از این طریق به دست آورده حلال است و واجب نیست آن را پس بدهد.^۱

حکم ارث مخلوط با ربا

کسی که وارث اموالی می‌شود که می‌داند بخشی از آن اموال از راه ربا به دست آمده است، در صورتی که قادر به تمییز اموال حاصل از ربا با اموال حلال نباشد، تکلیفی ندارد و تصرف در تمام آن اموال برای وی جایز است. اما اگر اموال حاصل از ربا را از غیر آن تمییز می‌دهد، در صورتی که مالک آن را می‌شناسد، واجب است آن را به مالکش بازگرداند.^۲

و در صورتی که مالک اموال حاصل از ربا را نمی‌شناسد، باید بر آن اموال حکم مجهول المالک را مترتب سازد.

۱. فقها در این زمینه اختلاف نظر دارند. از صدوق در «مقنع» و شیخ طوسی در «نهایه» نقل شده است مالی که از این طریق به دست آمده حلال است و واجب نیست آن را پس دهد. از گروهی دیگر مانند محقق حلّی در «نافع»، آبی، قطیفی، شهید اول، اردبیلی، محقق بحرانی و طباطبایی در ریاض همین قول منقول است. حتی محقق بحرانی در حدائق گفته است: «اختلافی میان فقها وجود ندارد که مرتکب ربا در صورت جهل معذور است.» صاحب «ریاض» هم آورده است: «برای کسی که جاهل بوده و مرتکب ربا شده کافی است که از این کار دست کشیده، توبه کند و غیر از این، چیز دیگری بر او واجب نیست.»

اما مطابق آنچه از «دروس» نقل شده وظیفه جاهل به حکم یا موضوع ربا، مانند عالم به آنها، وجوب پس دادن مالی است که گرفته است. صاحب «دروس» این قول را به متأخرین نسبت داده است. مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۳۸، ص: ۵۳

۲. هر دو مسأله جاهل به حکم یا موضوع ربا و ارث مخلوط با مال حاصل از ربا در صحیحته حلی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که در این قسمت به آن اشاره می‌شود: مردی نزد پدرم آمد و گفت: من وارث مالی شده‌ام که می‌دانم صاحب آن ربا خواری می‌کرده است و به یقین می‌دانم که در اموالش ربا وجود دارد. به خاطر علم من به این مطلب، این مال خوشایند من نیست. از فقهای اهل عراق و حجاز از حکم این مسأله سؤال کردم، آنها در پاسخ گفتند: نمی‌توان در آن مال تصرف کرد.

امام باقر علیه‌السلام فرمود: اگر می‌دانی که در مال به ارث رسیده، مال ربایی مشخص وجود دارد و صاحب آن را می‌شناسی، سرمایه خود را بردار و بقیه را به صاحبش برگردان. اما اگر مال ربا با مال حلال مخلوط شده، در آن تصرف کن و گوارایت باد؛ زیرا این مال، مال توست، اما از آنچه صاحبش انجام می‌داده، دوری کن. رسول خدا صلی الله علیه و آله رباهای گذشته را حلال کرد و آنچه را در آینده انجام می‌شود حرام نمود. پس کسی که به این مسأله علم ندارد، تا وقتی آگاه نشده، حرجی بر او نیست. اما وقتی علم پیدا کرد که ربا حرام شده، بر او حرام است و در صورت ارتکاب، کیفر او همانند کسی که ربا خواری می‌کند، واجب است. «کافی ج ۵، ص ۱۴۵ ح ۵».

- ✓ صحت معامله به صورت نقد یا نسیه و حتی با فرض تفاضل در صورت اختلاف نوع پول.
- ✓ صحت معامله به صورت نقدی فقط حتی با فرض تفاضل در صورت اتحاد نوع پول.
- ✓ لزوم تساوی طلا یا نقره ساخته شده با طلا یا نقره ساخته نشده در معامله طلا با طلا یا نقره با نقره.
- ✓ عدم جواز ضمیمه اجرت ساخت طلا یا نقره ساخته شده به طلا یا نقره ساخته نشده در معامله طلا با طلا یا نقره با نقره.
- ✓ بطلان معامله در صورت عوض گرفتن شرطی مانند دوختن لباس در مثل معامله نقره با نقره.
- ✓ صحت معامله در صورت اشتراط دوختن لباس قبل از انجام مثل معامله نقره با نقره.
- ✓ عدم تحقق ربا بین پدر و فرزند، مولا و مملوک، زوج و زوجه و مسلم و حربی.
- ✓ عدم تحقق ربا بین مسلم و حربی به شرط دریافت زیادی توسط مسلم.
- ✓ حرمت اخذ، دفع، کتابت و شهادت بر ربا.
- ✓ اتحاد جنس گندم و جو در باب ربا بر خلاف باب زکات.
- ✓ عدم تکلیف جاهل به موضوع یا حکم ربا بعد از آگاهی پیدا کردن و توبه.
- ✓ عدم تکلیف وارث در صورت عدم تمییز ارث از مال حاصل از ربا.
- ✓ لزوم رد مال حاصل از ربای مخلوط شده با ارث به مالکش در صورت شناخت وی.
- ✓ ترتب احکام مال مجهول المالک بر مال حاصل از ربا و مخلوط با ارث در صورت تمییز آن و عدم شناخت مالک.

احکام
اختصاصی ربا

تطبيق

احکام خاصة بالربا

احکام مخصوص به ربا

يجوز بيع الاوراق النقدية بعضها بالآخر مع اختلاف العملة - نقدا و نسيئة - حتى مع فرض التفاضل في المالية، بل يجوز مع اتحادها أيضاً إذا افترض كون العوضين شخصيين. و المسألة محل كلام و خلاف بين المتأخرين.

فروختن بعضی از اوراق نقدی به بعضی دیگر با مختلف بودن پولها - به صورت نقدی و نسیه - حتی با فرض زیادی در مالیت جایز است، بلکه با اتحاد پولها نیز با فرض شخصی بودن عوضین جائز است. و این مسأله بین متأخرین محل کلام و اختلاف است.

و يلزم عند بيع الذهب المصوغ بغيره و الفضة المصوغة بغيرها تساويهما، و معه لا يجوز بيع مثقال من الذهب المصوغ بمثقال من الذهب غير المصوغ منضما إلى أجرة الصياغة.

و در معامله طلای ساخته شده با غیر آن و نقره ساخته شده با غیر آن مساوی بودن آن دو لازم است، و با توجه به این حکم فروختن یک مثقال از طلای ساخته شده به یک مثقال طلای ساخته نشده به ضمیمه اجرت ساخت، جایز نیست.

و لا يجوز ان يقول شخص لآخر: ابيعك هذا المثلقال من الفضة الجيدة بمثلقال من الفضة الرديئة بشرط ان تخيط لي ثوبا مثلا، و يجوز العكس بان يقول: خط لي ثوبا على ان ابيعك المثلقال الجيد بالمثلقال الرديء.

و جایز نیست کسی به دیگری بگوید: به تو این یک مثقال نقره مرغوب را به یک مثقال نقره نامرغوب می فروشم به شرط این که برای من لباسی بدوزی مثلا، اما عکس آن جایز است، به این که بگوید: برای من لباسی بدوز تا به تو یک مثقال مرغوب را به یک مثقال نامرغوب بفروشم.

و المشهور عدم تحقق الربا بين الوالد و ولده و المولى و مملوكه و الزوج و زوجته و المسلم و الحربى اذا اخذ المسلم الفضل.

و مشهور این است که بین پدر و فرزند، و مولا و عبد او، و مرد و همسر او، و مسلمان و حربی وقتی مسلمان از او زیادی بگیرد، ربا محقق نمی شود.

و الربا كما يحرم اخذه يحرم دفعه و كتابته و الشهادة عليه.

و ربا همان طور که گرفتن آن حرام است، دادن و نوشتن و شهادت بر آن نیز حرام است.

و الحنطة و الشعير فى باب الربا جنس واحد و ان كانا فى باب الزكاة جنسين.

گندم و جو در باب ربا یک جنس هستند هر چند در باب زکات دو جنس هستند.

و من تعامل بالربا و هو جاهل بالحكم أو بالموضوع ثم التفت و تاب فلا يلزمه ارجاعه.

و هر کس که معامله ربوی کند در حالی که نسبت به حکم یا موضوع جاهل باشد سپس متوجه شود و توبه کند پس بر او باز گرداندن ربا لازم نیست.

و من ورث مالا حصل بعضه من الربا فمع عدم تميزها فلا شيء عليه و الا يلزمه ردّه على مالكة مع معرفته، و مع عدمها يتعامل معه معامله مجهول المالك.

و کسی که مالی را که بعض آن از ربا حاصل شده، ارث ببرد پس با مشخص نشدن آن چیزی بر او نیست، و در غیر این صورت بر او بازگرداندن مال ربا به مالکش در صورت شناختن مالک لازم است، و در صورت عدم شناخت مالک با آن مال، معامله مجهول المالك می شود.

SCO۱۰۲۴:۵۹

چکیده

۱. خرید و فروش نقدی یا نسیئه‌ای پول در صورتی که نوع آن مختلف باشد، جایز است حتی در صورتی که بین آن‌ها از لحاظ مالیت تفاوت باشد و در صورت اتحاد نوع پول خرید و فروش آن فقط به صورت نقدی جایز است.
۲. در معامله طلای ساخته شده با طلای ساخته نشده یا نقره ساخته شده با نقره ساخته نشده، تساوی بین عوضین لازم است و لذا جایز نیست در معاوضه یک مثقال طلای ساخته شده با یک مثقال طلای ساخته نشده، اجرت ساخت ضمیمه شود.
۳. اگر شرطی مانند دوختن لباس به عنوان ضمیمه یکی از عوضین در معامله طلا با طلا یا نقره با نقره قرار داده شود، موجب بطلان و حرمت معامله از باب ربا خواهد بود، اما اگر شرط خارج و قبل از معامله قرار داده شود، معامله محکوم به صحت می‌باشد.
۴. بنا بر مشهور بین پدر و فرزند، عبد و مولا، مرد و همسرش و مسلمان و کافر حربی اگر مسلمان از او زیاده بگیرد، ربا محقق نیست.
۵. علاوه بر گرفتن ربا، دادن آن، ثبت یا شهادت بر آن نیز حرام است.
۶. گندم و جو در باب ربا یک جنس‌اند، هر چند در باب زکات دو جنس محسوب می‌شوند.
۷. در صورت جهل به حکم یا موضوع ربا و توبه فرد پس از التفات، بر او بازگرداندن مال حاصل از ربا لازم نیست.
۸. اگر وارث بداند در ارثی که به او رسیده مقداری مال ربوی وجود دارد، و از میان اموال دیگر معلوم باشد باید آن را به مالکش بازگرداند و اگر مالک را نمی‌شناسد حکم مجهول المالک را در آن جاری کند، اما اگر مال ربا در بین اموال قابل تمییز نباشد، تکلیفی بر عهده او نیست.